



همگرایی اسلامی

(ضرورت‌ها، نمادها و عوامل)

دکتر اراز محمد سارلی (مذهب: حنفی - استان گلستان)

چکیده

همگرایی اسلامی، مقوله‌ای بسیار جدی در عصر حاضر به شمار می‌رود. اگرچه موضوع همگرایی اسلامی و به تعبیری وحدت اسلامی از صدر اسلام مطرح بوده، لیکن در یکی-دو قرن اخیر با حضور قدرت‌های خارجی در محدوده کشورهای اسلامی، مفهوم روشن‌تری یافته است. در این بررسی، به تعریف موضوع از نگاه متفکرین اسلامی پرداخته و نهایتاً جمع‌بندی تعریف همگرایی اسلامی با مفهوم رفتار متعهدانه متقابل مذاهب اسلامی به منظور صیانت از اصول مشترک اسلامی را می‌پذیریم. سپس این همگرایی در دوره پیامبر اکرم (ص) به ویژه اعلان «مواخاة الاسلامی» (برادری اسلامی) مورد توجه است.

عصر خلفای راشدین از آن جهت که تجربه حکومت اسلامی بدون حضور پیامبر اکرم (ص) بوده مورد نظر می‌باشد. از طرف دیگر شناخت انگیزه‌ها و اهداف همگرایی اسلامی حائز اهمیت است. سمبل‌های تفکر دینی در عالم اسلامی، راهکارهای عملی نیز پیشنهاد داده‌اند. یکی از این شخصیت‌ها شهید دکتر رنتیسی از رهبران حماس، پیشنهاد تشکیل ایالات متحده اسلامی را به منظور جلوگیری از دخالت بیگانگان به ویژه آمریکا در امور داخلی کشورهای اسلامی داده است.

بررسی اسباب و مقوم‌های همگرایی دینی، ناظر بر این موضوع است که هر یک از مذاهب اسلامی، چگونه از عوامل تفرقه فاصله گرفته، پایه‌های استواری از اتحاد و انسجام اسلامی را در حوزه وسیع‌تر امت اسلامی شکل دهند.

این مقاله با هدف بررسی ضرورت‌ها، انگیزه‌ها و عوامل همگرایی اسلامی نگاشته شده است و در هر بخش، با استناد به نظریه‌های مطرح و فحول علمای دینی، ابعاد مختلف بحث همگرایی اسلامی تبیین شده است تا از رهگذر آن بنا بر شواهد تاریخی در عصر پیامبر (ص)، خلفای راشدین (رض) و عصر حاضر، یافته‌های این تحقیق ارائه گردد. بیان اسباب و مقوم‌های همگرایی دینی در قالب ۶ پیشنهاد، نشان می‌دهد که راهکارهای علمی و عملی به منظور تشنج‌زدایی علاوه بر تکیه بر مفاهیم قرآن و سنت از اهداف اصلی این پژوهش بوده است.

در این بررسی از روش کتابخانه‌ای با استفاده از کتاب‌های مرتبط با مقوله وحدت اسلامی استفاده شده است. منابع این پژوهش مبتنی بر دیدگاه‌های مذاهب اسلامی بوده، علاوه بر نوشته رهبران اهل شیعه همچون علامه محمدتقی قمی، که از شرکت‌کنندگان و اعضای دارالتقریب مصر بوده‌اند؛ و از معارف اهل سنت همچون محمد الدسوقی (استاد دانشگاه قطر) و عبدالمتعال صعیدی (دانشگاه الازهر) نیز بهره گرفته شده است. اگرچه نوشته‌های هر کدام در شرایط و فضای خاصی پدید آمده، لیکن دیدگاه‌های آنان نشان می‌دهد که همبستگی قابل توجهی در آرای آنان به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی: همگرایی، مذاهب اسلامی، تقریب

مقدمه

همگرایی اسلامی به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر در جامعه اسلامی، نقش اساسی در قدرت‌یابی مسلمانان به طور کلی دارد. خصوصاً نفوذ قدرت‌های خارجی در کشورهای اسلامی مانند حضور نظامی آمریکا و کشورهای اروپایی در خاک افغانستان و عراق و اشغال فلسطین و تشکیل دولت جعلی اسرائیل، در کنار آن بیداری امت اسلامی در تونس، مصر و لیبی و بحرین و اردن و غیره که یکی پس از دیگری دیکتاتورهای کشور متبوع خود را ساقط می‌کنند، ضرورت همگرایی اسلامی را در بعد سیاسی، پراهمیت‌تر نشان می‌دهد. در بعد مذهبی، تشدید اختلافات مذهبی و واگرایی امت اسلامی و متعاقب آن خشونت و تروریسم در پاکستان، افغانستان و عراق حائز توجه فراوان است.



نوع سمت‌گیری و توجیهاات رهبران دینی در تشدید و یا کنترل این حرکات خشونت‌بار، بی‌رابطه نمی‌باشد. بنابراین توصیه پایانی این تحقیق در جهت پرهیز از رفتارهای تفرقه‌افکنانه و نفی اقتدار تندروها در این راستا معنا پیدا می‌کند.

بیان مسئله

موضوع همگرایی اسلامی در دوره معاصر ابتدا در کشور مصر توسط سیدجمال‌الدین اسدآبادی مطرح گردید. سپس در همان کشور و با عضویت رهبران دینی و مفتی دانشگاه الازهر مصر و رهبران دینی اهل شیعه از ایران، سازمانی به نام «دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه» تشکیل گردید تا حداقل‌های همگرایی اسلامی را تحقق بخشند. این موضوع، سال‌ها بنا بر سیاست دولت‌های غیر دینی و لائیک در ایران و خاورمیانه، علی‌رغم تلاش علمای آگاه، مسکوت ماند. سپس با تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران «مجمع تقرب مذاهب اسلامی» پایه‌گذاری شد تا با برگزاری نشست‌های علمی و کنفرانس‌های بین‌المللی و گفتگو و مفاهمه بین مذاهب کشورهای اسلامی و حتی داخل ایران، زمینه‌های همگرایی اسلامی را مهیا کند. این نوشته در راستای تأمین چنین اهدافی قرار دارد.

همگرایی: مجموعه رفتارهای

مشترک بین دو یا چند دسته و گروه،
انگیزه‌ها و عواملی که به یک رفتار واحد
منجر می‌شود.



«هدف ما اندماج مذاهب فقهی در یکدیگر نیست، زیرا اختلاف امری است طبیعی... در این‌گونه اختلافات زبانی نبوده بلکه باعث توسعه فکری و فراهم آمدن تسهیلات و گشایش رحمت الهی خواهد بود.»

مذاهب اسلامی: نحله‌های فکری-

عقیدتی مختلف در مجموعه جامعه مسلمانان می‌باشد که به نام مذاهب اسلامی شناخته شده است. از جمله آن مذاهب تسنن و تشیع است.

تقرب: بر وزن تفعیل، به معنی نزدیک کردن دو چیز است که از هم دور افتاده‌اند. در این بررسی مقوله همگرایی مذاهب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این همگرایی که گاه از آن به عنوان تقرب بین مذاهب اسلامی یاد می‌شود، ناظر بر اهداف، راهبردها و برنامه‌های عملی همگرایی بین مسلمانان است. در انگاره‌های تاریخی موضوع مصداق‌یابی همگرایی و شواهد تاریخی صدر اسلام مورد استناد می‌باشد.

تعریف موضوع

همگرایی که عبارت اخرای آن در زبان عربی تقرب است در یک‌صدسال اخیر مورد توجه علمای روشنگر اسلام همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی قرار گرفت به گونه‌ای که در دانشگاه الازهر مصر مرکز همگرایی مذاهب اسلامی به نام «دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه» تأسیس گردید که در آن حداقل گرایشات فقهی و مذهبی اسلامی حضور داشتند. یکی از بنیان‌گذاران دارالتقرب، مرحوم علامه محمدتقی

قمی^(۶) بود. ایشان درباره همگرایی دینی می‌گوید: «هدف ما اندماج مذاهب فقهی در یکدیگر نیست، زیرا اختلاف امری است طبیعی... در این‌گونه اختلافات زیانی نبوده بلکه باعث توسعه فکری و فراهم آمدن تسهیلات و گشایش رحمت الهی خواهد بود»^(۱).

راهبردهای استراتژیک در این مرکز تعیین گردید که سرفصل‌های مهم آن عبارت بود از: تبیین باورها و برداشت‌های مشترک بین این دو و تطبیق و مقایسه آن با نکات اختلاف از جهت اهمیت، ایجاد آگاهی فرق اسلامی به پیامدهای تنش و درگیری، یافتن زبان مشترک برای همگرایی، معرفی تفرقه‌افکنان که قصد تبدیل اختلاف به یک نزاع تمام‌عیار را داشته‌اند، یادآوری فواید سکوت و خویش‌داری هر یک در راستای تحقق اصل وحدت اسلامی، این قبیل راهبردها به منظور کاستن فاصله مسلمانان مذاهب اسلامی و رفع بدبینی و خصومت صورت می‌گرفت.

یکی از متفکران عرب به نام دکتر «محمد الدسوقی» (استاد دانشگاه قطر) مفهوم همگرایی مذاهب را با این تعبیر بیان می‌کند: «إِنَّ التَّقَارُبَ بَيْنَ الْمَذَاهِبِ هُوَ فِي جَوْهَرِهِ: مَحَاوَلَةُ لِكَسْرِ شَوْكَةِ التَّعَصُّبِ، وَ جَمْعِ كَلِمَةِ الْأُمَّةِ عَلَيَّ أَصُولِ عَقِيدَتِهَا وَالْمَبَادِئِ الْأَسَاسِيَّةِ لِدِينِهَا»^(۲)

یعنی: همگرایی، تلاش برای شکستن شوکت تعصب و پیوند زدن امت اسلامی بر اساس اصول عقیده

مبادی، اساس دین است. به عبارت روشن‌تر همگرایی را اصل بنیادین دینی می‌داند. مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسین آل‌کاشف‌الغطاء، همگرایی فرق اسلامی را نه تنها به معنای هضم

فرقه‌ای و سکوت فرقه مغلوبه نمی‌داند، بلکه می‌فرماید: «از عدالت به دور است که ما فرقه‌ای را که در انزوا و اتهام نهاده شده و از خود دفاع می‌کند به دلیل دفاع از حق خود به تفرقه‌افکنی و کینه‌توزی متهم کنیم بلکه باید سخن او را بررسی نماییم. اگر حق با اوست او را یاری دهیم و الاً به استدلال او را قانع سازیم»^(۳). بنابراین همگرایی ناظر بر رفتار متعهدانه متقابل مذاهب اسلامی به منظور صیانت از اصول مشترک اسلامی می‌باشد. در این رابطه، سیاست راهبردی برای مصونیت سامانه همگرایی، اصل احترام مذاهب به یکدیگر، برای پوشاندن حفره‌ها و خال‌های موجود، مهار تنش‌ها و پرهیز از سب و دشنام پیروان مذاهب نسبت به یکدیگر باید مورد نظر باشد.

عصر پیامبر (ص)

قرآن کریم به مسلمانان صدر اسلام آموخت که به حبل خدا اعتصام داشته، از تفرقه پرهیزند. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^(۴) چرا که در غیر این صورت، موجب زوال قدرت آنان و شکستشان خواهد شد. «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^(۵) در راستای این پیام راهبردی، پیامبر اکرم (ص) همواره



بر یکپارچگی اسلامی تأکید داشتند و هیچ فضلی را جز در سایه ارتقای معنوی یعنی «تقوی» بر اقوام و نژادها، (أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ، وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ، إِلَّا بِالتَّقْوَى) جایز ندانستند.

پیامبر اکرم (ص) تدبیر دیگری نیز به کار بستند تا اصل وحدت فی‌مابین جامعه اسلامی را استحکام بخشند. آن هم اعلان مواخات اسلامی (برادری اسلامی) بین مسلمانان، در نخستین روزهای رهائی از جنگال ستمگران قریش بود. بدین ترتیب روزه‌های امید آنان برای ایجاد شکاف و راه‌اندازی دعوی مهاجر و انصار، بنده و آزاد، سیاه و سفید با شکست مواجه گردید.

عصر خلفای راشدین (رض)

یکی از ستاره‌های درخشان صدر اسلام، شخصیت والای حضرت علی (ع) است. او با درایت و هوشیاری کامل، دوره پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) را مدیریت کردند. در شرایطی که امام علی (ع) یکی از کاندیداهای خلافت پس از پیامبر اکرم (ص) بودند، آن‌گاه که از تصمیم شورای سقیفه، مبنی بر انتصاب ابوبکر صدیق (رض) آگاه گردید، در برابر گروهی که آن حضرت را به برخورد تشویق می‌نمودند، ایستادگی کرد. بدین ترتیب در آن شرایط بسیار سخت و دشوار با تمسک به اصل همگرایی در صفوف خودی از افتراق و خون‌ریزی جلوگیری نمود. در خصوص این شرایط حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«دیدم گروهی از مردمان از دین برگشته دیگران را به نابود ساختن دین خدا و شریعت پیامبر (ص) و آئین حضرت ابراهیم (ع) فرامی‌خوانند. پس ترسیدم که اگر اسلام را یاری ندهم، رخنه و خرابی در بنیان آن به وجود آید که مصیبتی بزرگ را بر من تحمیل نماید... پس آن‌گاه به نزد ابابکر رفتم و با او بیعت کردم و مصمم در برابر حوادثی که کیان اسلام را تهدید می‌کرد؛ ایستادگی کردم تا آنکه باطل رخت برپست و از میان رفت و نام مبارک الله علی‌رغم خواسته کافران عظمت یافت. در حالی که ابابکر، مسئولیت حل و فصل امور را بر عهده داشت پس او را خیر خواهانه همراهی کردم و در آنچه رضایت خدا در آن بود با تمام توان از او اطاعت کردم».^(۶)

با توجه به این نگاه حکیمانه است که یکی از اساتید دانشگاه الازهر به نام عبدالمتعال صعیدی در این باره گفته است: «اولین بنیان‌گذار تقریب بین مذاهب، حضرت علی (ع) است. با اینکه می‌دانست از دیگران به خلافت سزاوار است، ولی با ابوبکر، عمر و عثمان به مدارا رفتار می‌کرد و از هیچ‌گونه کمک نسبت به آنان دریغ نفرمود».^(۷)


بنابراین، سیره حضرت علی (ع) یک الگوی ایده‌آل برای جامعه اسلامی ایران است که ترکیبی از دو مذهب شیعه و سنی را در خود جای داده است و طی قرون متمادی، برادرانه، دوش به دوش هم از این مرز و بوم بر مبنای وحدت اسلامی حراست کرده و در کنار هم زیسته‌اند.

انگیزه و اهداف همگرایی

مسلمانان از لحاظ تعداد نفوس، بیش از یک چهارم از جمعیت شش میلیاردی را تشکیل می‌دهند. اما عوامل تشتت و تفرقه، مسلمانان را از توجه به اصلی که مایه عزت و قدرتشان بوده بازداشته است. اصل «وحدت اسلامی» بر حول قرآن کریم و سیره نبوی، مسلمانان را زنجیروار در پیکر جامعه زخم خورده اسلامی کنار هم قرار می‌دهد. متأسفانه به واسطه عدم آگاهی حتی نتوانسته‌اند موضوع فلسطین را به نفع مسلمانان خاتمه دهند. بدین منظور اکنون روشنفکران دینی به صرافت تقویت انگیزه‌های دینی جوانان و نوجوانان همت گماشته‌اند تا اسباب پیروزی توسط همین قشر جوان تحقق یابد.

به منظور تقویت وحدت، بانیان دارالتقرب همچون شیخ شلتوت رئیس دانشگاه وقت الازهر گفته است: «تقسیم مذهب به شیعه و سنی تنها اصطلاحی در نام‌گذاری است، و الا تمام مسلمانان اهل سنت‌اند. زیرا همگی عمل به سنت و دستورات پیامبر^(ص) را واجب می‌دانند»^(۸)

همچنین علامه شیخ سعید شعبان رهبر اهل سنت شمال لبنان، امت اسلامی را محنت زده می‌داند و مسبب این محنت را که ناشی از اختلاف مسلمانان است، تنها در دسیسه‌های امریکا و حاکمان وابسته به او در کشورهای اسلامی معرفی می‌کند. او در برابر اتهام شیعه شدن خود به صراحت می‌گوید: «من سنی

جهت استقرار همگرایی بین فرق اسلامی، لازم است متون کلاسیک دوباره بازخوانی شود. آنگاه به جای تکیه بر مفترقات مکتوب در متون کهن، موارد اتفاق فریقین اشاعه پیدا کند. این بازخوانی به ویژه در کتاب‌های تاریخی مرتبط با عصر خلفای راشدین، شروح مختلف کتاب‌های فقهی که در دوره‌های تاریخی مختلف نگارش یافته، مهم به نظر می‌رسد. 

نبوده‌ام تا شیعه شوم. من از روز نخست مسلمانان بوده‌ام و دانسته‌ام که اسلام دین خداست»^(۹)

پارهای از فعالان سیاسی دنیای اسلام فراتر رفته، پیشنهاد تشکیل ایالات متحده اسلامی را به منظور جلوگیری از دخالت بیگانگان به ویژه آمریکا در امور داخلی کشورهای اسلامی را داده‌اند. شهید دکتر رنتیسی با بیان این نکته امیدوار است پراکندگی مسلمانان به اتحاد در ذیل یک دولت اسلامی منجر شود.

اسباب و مقوم‌های همگرایی دینی

در حوزه تفکر دینی، آنچنان ظرفیت و سماحت وجود دارد که مسلمانان با هر سلیقه و نگرشی همدیگر را پذیرا بوده، نسبت به هم مهربان و دلسوز باشند. توجه رهبران دینی به این مقوله همان چیزی است که باعث همگرایی و وحدت می‌شود. با استناد به آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبوی، نکات ذیل راهکار عملی به منظور تشنج‌زدایی و حفظ بنیان‌های وحدت اسلامی محسوب می‌شود:

۱. عدم سب

قرآن کریم در سوره انعام آیه ۱۰۸ حتی دشنام دادن به سران کفر و نفاق را هم منع می‌فرماید. متأسفانه



آنچه که در دوره اموی رخ داد، حرمت‌شکنی توسط تفرقه‌افکنان بود تا اینکه عمر بن عبدالعزیز به طور جدی از سب علی^(ع) ممانعت به عمل آورد.

۲. تهمت‌زدایی

نویسندگان منتسب به شیعه و یا سنی هر یک به قصد خدمت به مذهب و یا به نیت تشدید تفرقه، کتاب‌هایی منتشر می‌نمایند که اساساً یک حرکت ضد ارزشی به شمار می‌رود.

۳. برائت از تندروها

یکی از سدهای اساسی وحدت و همگرایی، همانا تندروهای هر یک از دو مذهب مذکور است. هر گروهی که به نام مذهب دچار جنایت‌های وحشتناک غیر انسانی می‌شود، پیرو واقعی آن مذهب به شمار نمی‌رود. یکی از مصداق‌های افراط‌گرایی؛ منش‌ها و شیوه‌های طالبانیستی و اباحه خون سایر مسلمانان است.

۴. بازخوانی متون

جهت استقرار همگرایی بین فرق اسلامی، لازم است متون کلاسیک دوباره بازخوانی شود. آنگاه به جای تکیه بر مفترقات مکتوب در متون کهن، موارد اتفاق فریقین اشاعه پیدا کند. این

همگرایی باید از حیثه سخن و شعار فراتر رفته، نمادهای واقعی آن در زندگی مسلمانان هویدا گردد. در این صورت می‌توان امیدوار بود که وحدت اسلامی، مقوم‌های واقعی خود را یافته و در بین اقشار مختلف جامعه رسوخ پیدا خواهد کرد. صدور فتوای امام خمینی^(ع) در خصوص انجام مناسک برای شیعیان، مطابق شیوه‌های مرسوم در بین اهل سنت و جماعت، ناشی از همان نگرش وحدت‌گرایانه بوده است.

بازخوانی به ویژه در کتاب‌های تاریخی مرتبط با عصر خلفای راشدین، شروح مختلف کتاب‌های فقهی که در دوره‌های تاریخی مختلف نگارش یافته، مهم به نظر می‌رسد.

۵. نفی اقتدار تندروها

یکی از نمادهای این موضوع، موضع‌گیری‌های تند طالبانیسم و صدور فتوای حرمت جان و مال مسلمانان شیعه از مصادیق تلخ اقتدار تندروهاست. صدور فتاوی متضاد علمای فریقین در قرون گذشته شیعیانی‌ها و صفویه از شواهد تلخ تاریخی به شمار می‌رود.

۶. اقتدار یابی

مسلمانان در عصر تکنولوژی باید نمونه‌ای مقتدر و توانمند از لحاظ علمی، تولید علم و تبدیل آن به ثروت و فناوری باشند. آن نکته‌ای که در کلام رهبر معظم انقلاب، به جنبش نرم‌افزاری تعبیر شده است.

۷. همگرایی عملی

همگرایی باید از حیثه سخن و شعار فراتر رفته، نمادهای واقعی آن در زندگی مسلمانان هویدا گردد. در این صورت می‌توان امیدوار بود که وحدت اسلامی، مقوم‌های واقعی خود را یافته و در بین اقشار مختلف جامعه رسوخ پیدا خواهد کرد. صدور فتوای امام خمینی^(ع) در خصوص انجام مناسک برای شیعیان، مطابق شیوه‌های مرسوم در بین اهل سنت و جماعت، ناشی از همان نگرش وحدت‌گرایانه بوده است.

تأملی در راهبردها و راهکارهای مطرح در دوره معاصر

عمده راه حل‌های مطرح و یا تجربه شده از این قرارند:

۱. تعطیلی شعائر و مناسک مذهبی

مدعای برخی مصلحان، تعطیل شعائر و مناسک در میان خواص و عوام شیعه و سنی بود که عواطف مسلمین را سلباً (علیه سنیان یا شیعیان) و یا ایجاباً (به نفع رهبران شیعه و سنی) تحریک نموده،

«بزرگان هرگز در صدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی - که هیچ‌گاه عملی نیست - نبودند؛ و به صورت مشخص‌تر در این میدان به جای تأکید بر «حزب واحد» (هم‌رنگی در فکر، ایدئولوژی، راه و روش و همه خصوصیات فکری جمعی) بر «جبهه واحد»، که با وجود اختلاف در فکر و در روش در مقابل دشمن مشترک در یک صف جبهه‌بندی می‌کنند، باید پای فشرد. ﷺ»



با حفظ مرزبندی مذاهب فقهی سنی و شیعی. بارزترین طراح این ایده، نادر شاه افشار بود، راه حلی که عقیم ماند و چون مقطع پیش‌تر از مقطع معاصر را در بر می‌گیرد مورد بررسی تفصیلی قرار نمی‌گیرد. حداقل پیام عبرت‌آموزی که این راه حل برای ما دارد آن است

که گرچه شایسته و بلکه لازم است شیعیان و سنیان، سب، لعن و طعن علیه همدیگر و رهبرانشان را ترک کنند، اما در این مسیر نباید ره افراط پیمود و مناسک غیر آسیب‌زا برای وحدت مسلمین را مورد بی‌توجهی قرار داد. چه بسا برخی از شعائر، خود می‌توانند از عوامل همگرایی شیعه و سنی باشند. (مثل مراسم عزاداری برای امام حسین^(ع)) بلکه برای تعیین حد و مرز، حتی گفته شده که طرفداری از نظریه اتحاد اسلامی ایجاب نمی‌کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود. آنچه نباید صورت گیرد، کارهایی است که احساسات و تعصبات و کینه‌های مخالف را برمی‌انگیزد، اما بحث علمی سر و کارش با عقل و منطق است، نه عواطف و احساسات؛ و از مصادیق کسانی که این روش را پیموده‌اند، آیت‌الله سیدشرف‌الدین عاملی، آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء و علامه شیخ عبدالحسین امینی مؤلف «الغدیر» بر شمرده شده‌اند، آنچه اینان در نظر داشتند این بود که فرقه‌های اسلامی در عین اختلافی که در کلام، فقه و غیره با هم دارند، به واسطه مشترکات بیشتری که در میان آن‌ها هست می‌توانند در مقابل دشمنان، دست برادری بدهند و جبهه واحدی تشکیل دهند. این بزرگان هرگز در صدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان



وحدت اسلامی - که هیچ‌گاه عملی نیست - نبودند؛ و به صورت مشخص‌تر در این میدان به جای تأکید بر «حزب واحد» (هم‌رنگی در فکر، ایدئولوژی، راه و روش و همه خصوصیات فکری جمعی) بر «جبهه واحد»، که با وجود اختلاف در فکر و در روش در مقابل دشمن مشترک در یک صف جبهه‌بندی می‌کنند، باید پای فشرد.^(۱۰)

قریب به مدعای فوق را برخی روشنفکران اسلامی نیز مطرح کرده‌اند که به نوعی نقد ایده حذف مناسک مذهبی نیز می‌تواند تلقی شود. زیرا گفته شده نه مذهب واحد و نه دامن زدن به آتش اختلاف، بلکه با حفظ اصول اعتقادی هر یک از شیعه و سنی برای خود، سنی و شیعه می‌توانند در برابر دشمن مشترک، یار و متحد باشند و به جای وحدت اسلامی که مرگ تفکر علمی در میان سنی و شیعه است، به وحدت میان شیعه و سنی تأکید شد که ممکن، معقول، و مسئولیت‌زا و تعهد آفرین است.^(۱۱)

۲. طرح تأسیس حکومت واحد اسلامی

این ایده را امثال سیدجمال‌الدین اسدآبادی مطرح کرده‌اند. سیدجمال برای تحقق این آرمان، با مخاطب قرار دادن سلاطین، علما و مردم مسلمان و پیشنهاد مرکز خلافت در عثمانی یا عربستان را داشت. او راهکارهای جزئی‌تری را نیز در کنار حکومت واحد داشت. از جمله راه‌حل‌های وحدت‌طلبانه سیدجمال‌الدین، عبارت بودند از نفی فرقه‌گرایی و نژادپرستی، ایجاد تشکل‌های مختلف (مثلاً جمعیت عروه در هندوستان) و منشورات وسیع در کشورهای مختلف (مثل چاپ عروه‌الوثقی در پاریس)، ایجاد موتمر اسلامی در مکه به وسیله علما، طرح اتحاد بین دولت‌های عثمانی، ایران و افغانستان و...^(۱۲) این پیشنهاد که خلاف دیدگاه نادر که برای اتحاد مذهبی با روش سیاسی تأکید داشت، بر اتحاد سیاسی از طریق مذهبی و سیاسی تأکید می‌شد، در همان زمان نیز چندان مورد اقبال قرار نگرفت و امروزه نیز نمی‌تواند چندان جدی قلمداد شود. زیرا همان کشور عثمانی عصر سید، امروز به کشورهای کثیری تقسیم شده و مرزها در خاورمیانه قرن بیستم آنچنان به عنوان یک واقعیت تثبیت شده‌اند که کوچک‌ترین اقدام در جهت تغییر مرزها، به شدت مسئله‌آفرین است. در ایران هم این ایده نمی‌تواند مقبول افتد، زیرا در این سامان نیز مسلمان و غیر مسلمان بر مرزهای ملی و جغرافیایی موجود که حداقل آن چیزی است که در طی قرون و اعصار بدان‌ها به ارث رسیده تعصب و غیرت حاد دارند و حاضر نیستند به هیچ عنوان با عدول از حدود و ثغور خود در کشورهای دیگر ادغام شوند و از این مسیر به اتحاد اسلامی برسند.

تأسیس حکومت واحد حتی اگر به صورت «اتحاد جماهیر اسلامی»^(۱۳) نیز که ظاهراً هدف اصلی طراحان سازمان کنفرانس اسلامی بود که مسلمانان نه به صورت کشوری فدرالی (مثل آمریکا)، بلکه هر یک از کشورهای اسلامی، جمهوری مستقل با حفظ ملیت، زبان، پرچم و پول خود باشند، ولی یک نوع همبستگی، همکاری و تعادل در قلمرو سیاست خارجی، اقتصاد و صنعت و ارتش با هم داشته باشند نیز پس از چند دهه چندان جدی گرفته نشد. کنفرانس اسلامی که در عکس‌العمل به حوادث فلسطین

در سال ۱۹۶۶، اولین اجلاس سران را برگزار نمود و هم اکنون با نهادهایی چون کمیته تخصصی، ارگان‌های فرعی، مؤسسات تخصصی و نهادهای درون سیستمی فعال است، دارای نهادهای جزئی‌تر مثل کمیته قدس، کمیته اسلامی امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجمع فقه اسلامی، صندوق همبستگی اسلامی، کمیسیون بین‌المللی حفاظت از میراث اسلامی، بانک توسعه اسلامی و... فعال می‌باشند که البته بیشتر این نهادها کارهای چندان مهمی انجام نمی‌دهند و فعال‌ترین و موفق‌ترین نهادهای ذکر شده بانک توسعه اسلامی است.

اگر امروزه در بحث وفاق اسلامی، برخی راه‌حل را بهره‌گیری از نظریه‌هایی چون کارکردگرایی، نوکارکردگرایی، ارتباطات و... می‌دانند که جان‌مایه نظرات ارائه شده آن است که برای ورود به عرصه وحدت و همگرایی باید از وجوه کارکردی، فنی و غیر سیاسی آغاز نمود تا زمینه تقریب دیدگاه‌ها فراهم گردد. اصل تدرج از اصول حاکم در این فرآیند است. وجود نهادهای مختلف مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سازمان کنفرانس اسلامی را می‌توان از مصادیق نهادهایی دانست که در مسیر نظریات یاد شده عمل می‌کنند؛ اما محصول کار در سطح جهان اسلام بسیار ناچیز است تا حدی که به همگرایی منتج از سازمان کنفرانس اسلامی، هیچ‌گونه امیدی نمی‌توان داشت و حداقل پیام موضوعی نیز آن است

که کارکردهای وفاق‌محور کشورهای متنوع اسلامی، ناکارآمد است و به دلیل آنکه صرف تکثیر نهادها برای رسیدن به وحدت کافی نیست و وفاق اسلامی پیش از نهادسازی، ظرفیت‌ها و بستر

از نگاه اینان مسایل اختلافی، هیچ‌گاه بیانگر روح کلی و جوهری اسلام نیست، بلکه بیشتر ناشی از اختلاف برداشت‌ها و دیدگاه‌های علما و مجتهدان است. ﷺ

مساعد را می‌طلبید که فعلاً در جهان اسلام وجود ندارد. به عبارت دیگر ذهنیت مشترک از نظر جایگاه مهم‌تر از صرف وجود تشکل‌های صوری چندی است که بانیان و عاملان آن از درون، چندان به جوهره کار(همبستگی) اعتقادی ندارند. از این رو ایده اتحاد جماهیر اسلامی با شاکله یاد شده در سطح جهان اسلام پاسخگو و مناسب نیست.

۳. ایده رهبری واحد

جان‌مایه این ایده، آن است که کشورهای اسلامی در کلیه امور سیاسی، اقتصادی، مذهبی و ملی خود آزاد و مستقل باشند و کسی در کار آن‌ها دخالت نکند، تنها آنان از لحاظ تعهد به اسلام و در دفاع از اسلام و مسلمین در شعاع رهبری اسلامی، همه در یک صف واحد می‌ایستند و در مواقع ضروری از او حمایت می‌کنند. در بین منادیان وحدت اسلامی، حامیان فکر وحدت رهبری کم نیستند. از جمله آن‌ها عبارتند از برخی از اعضای شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی همانند دکتر کلیم صدیق، رئیس مؤسسه تحقیقات اسلامی لندن، استاد ابراهیم زکزکی رهبر حزب وحدت اسلامی نیجریه، استاد



محمد‌های آونگ رهبر انقلابی مالزی و... (۱۴)

دیگرانی با استدلال متفاوت و تحت عنوان «ایده ام‌القری»، به وحدت رهبری می‌رسند. پیشنهاد طرح ام‌القرای جهان اسلام سه نکته عمده دارد: اول: ملاک وحدت در فلسفه ام‌القری، وحدت در انجام وظیفه اسلامی است، چرا که در این حاکمیت، امتی مسئول، با رهبری مسئول جمعاً در سرزمینی به عنوان ام‌القری، هسته مرکزی حکومتی را تشکیل می‌دهند که برد جهانی دارد. دوم: ولایت فقیه و حکومت ولایت فقیه، اساس و جوهره تشکیل حکومت اسلامی در ام‌القری است. عامل وحدت امت اسلامی، همان رهبری ولایت فقیه است و مسئولیت رهبری امت اسلام، مرزی نمی‌شناسد، و سوم: کشوری ام‌القرای جهان اسلام می‌شود که دارای رهبری گردد که در حقیقت لایق رهبری جهان اسلام باشد. (۱۵)

ایده رهبری واحد جهان اسلام در شرایط حاضر، پرسش‌های چندی را بدون پاسخ می‌گذارد که در نتیجه، قابلیت تحقق و اعمال را ندارد، از جمله اینکه اگر بین فرامین رهبری جهان اسلام با سیاست‌های حکام جهان اسلام تعارض افتاد چه باید کرد؟ آیا در چنین شرایطی جایی برای خطمشی اتخاذ شده از سوی رهبری جهان اسلام باقی می‌ماند؟ خصوصاً اینکه در یک نگاه واقع‌بینانه متأسفانه در شرایط حاضر، بسیاری از دولتمردان کشورهای اسلامی، از سیاست‌های قدرت‌ها و ابر قدرت‌های عصر متأثرند و حتی علیه منافع ملت‌های اسلامی اقدام می‌کنند (مثلاً در تعامل با دولت غاصب اسرائیل) در صورت تعارض، بین منافع ملی ملت‌های مسلمان با مصالح جهان اسلام چه باید کرد؟ آیا ملت‌ها حاضرند در صورت تصمیم رهبری جهان اسلام بر تقدم مصلحتی اسلامی بر منفعتی ملی درون مرزی، به فرامین رهبری عمل کنند و اصلاً آیا مبانی و مکانیزم تقدم هر کدام از این دو تحدید شده است؟

۴. نه‌آدینه کردن ایده تأکید بر مشترکات و مباحثه بر مفترقات

در این ایده با تأکید بر حفظ مذاهب موجود، همگرایی‌ها بر مبنای مشترکات به صورت نه‌آدینه تعقیب می‌شد. این ایده کلی همگرایی در دو مقطع و به وسیله دو تشکیلات نسبتاً قوی تعقیب و مطرح شده است که اینان تأکید و اصرار بر مشترکات اعتقادی، فقهی و اخلاقی به عنوان اصول اساسی اسلامی که ملاک برادری و وحدت اسلامی است داشته و گفتگوی آزاد علمی بر روی سایر مباحث دینی برای رسیدن به تفاهم و تقارب را توصیه می‌کردند. از نگاه اینان مسایل اختلافی، هیچ‌گاه بیانگر روح کلی و جوهری اسلام نیست، بلکه بیشتر ناشی از اختلاف برداشت‌ها و دیدگاه‌های علما و مجتهدان است. اما دو تشکیلات مدعی این راهکار، یکی «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» و دیگری «جماعت تقریب بین المذاهب الاسلامیه» می‌باشد که توضیح برنامه‌های آن‌ها از حوصله این مقاله خارج است.


۵. وحدت و تقارب مذهبی

همزمان و در عرض تلاش گسترده‌ای که جماعت تقریب بین المذاهب اسلامی، با مبنای حفظ

مذاهب موجود، به جای وحدت مذاهب از وفاق بین مسلمانان دفاع می‌کرد، مصلحان دیگری راه متفاوتی را پیموده و این‌گونه تلاش‌ها را منتج نمی‌دیدند. از جمله آن‌ها مرحوم شیخ محمدرضا مظفر معتقد بود که بزرگ‌ترین پدیده اسلام، بلکه از عظیم‌ترین کارهایش دعوت به وحدت مطلق و گسترده‌ترین معانی آن و از بین بردن همه اختلاف‌های حتی میان ملت‌ها و امت‌های مختلف است که همانا مؤمنان با یکدیگر برآیند.

در دهه اخیر امام موسی صدر نیز وحدت طرفداران مذاهب را کافی نمی‌دانست. مثلاً پیشنهاد کرد که بر رؤیت هلال به طریق نوین علمی و تعیین زاویه دید هلال در افق تأکید شود و روز عید را با دقت علمی مشخص کنیم و همچنین شکلی از اذان که برای همگان مورد قبول باشد را باید بررسی نمود؛ و البته طرح وحدت او از حیثه‌های صرفاً دینی و شرعی فراتر می‌رفت، زیرا در کنار پیشنهاد برای نوشتن دایرةالمعارف فقهی «الموسوعه الفقهیه» و یکی کردن اعیاد و شعائر و پاره‌ای از عبادات، طرح‌های اجتماعی چون مبارزه با بی‌سوادی، سرپرستی ایتام، بالا بردن سطح زندگی زحمتکشان و یا طرح‌های میهنی چون آزادی فلسطین و پشتیبانی از لبنان و... را از عوامل مؤثر بر همگرایی اسلامی دانست.

در ارزیابی اجمالی این نگرش می‌توان گفت که وقتی تقریب مذاهب (راه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی) افق کاملاً روشنی در پیش ندارد و متأسفانه واقعیت نیز گاه از استبعاد برخی از مراکز شیعی و سنی دارد، طرح وحدت کامل شیعه و سنی پیش از حد آرمانی می‌نماید.

اندیشمندان مسلمان اعم از شیعه و سنی به اهمیت وحدت و همگرایی اسلامی به عنوان یک استراتژی توجه نموده، مقوم‌های همگرایی را محور فعالیت‌های خود قرار دهند. همچنین آنان وظیفه دارند تا در برابر تدریج‌ها و افراطیون فرقی ایستادگی نموده، نسبت به اقتداریابی آنان، جامعه اسلامی را هوشیار و آگاه نمایند. 

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث بالا که عمده‌ترین راه‌های مطرح شده و برخی طی شده برای ایجاد و همگرایی در سطح جهان اسلام بود به اینجا می‌رسیم که:

۱. برخی از پژوهشگران و متفکران چنانچه ملاحظه شد (علامه شرف‌الدین) و یا در فصول سابق آمد (شیخ محمد ابوزهره) بر سیاسی بودن خاستگاه نزاع بین شیعه و سنی تصریح کرده‌اند و کثیری از مصلحان ایرانی فعال در عرصه تقریب نیز بر راهکارهای سیاسی و اجتماعی تأکید داشته‌اند. (مطهری، شریعتی و...) این نگرش و راهکارها در راستای این فرضیه‌اند که برای حصول همگرایی در جهان اسلام راهکارهای سیاسی مدنی بر راهکارهای مذهبی تقدم دارند و از جمله ادله این مدعا آن است که انعطاف‌پذیری در مسایل و مباحث مذهبی که حاوی نوعی تقدسند پایین است و حداکثر آن است که پیروان و نخبگان مذاهب نسبت به اهانت‌ها و تخریب‌ها علیه همدیگر رعایت نموده و حرمت مقدسات (خصوصاً اسوگان مقبول طرفین) دیگر را پاس دارند. ولی راهکارهای سیاسی و اجتماعی تنوع و



انعطاف بیشتری داشته و امکان تحقق و عینیت مناسب‌تری در شرایط حاضر دارند.

۲. فاصله و گاه شکاف بین شیعیان و سنیان در سطح جهان اسلام و به تبع آن در ایران یک واقعیت است و از این‌رو مصلحان و دلسوزانی از شیعه و سنی پا پیش نهاده و علیه این فضای ابهام‌آلود و ساختار واگرایانه دست به اقدامات گاه جسورانه زده‌اند. این پیشنهادات گاه صبغه علمی، ذهنی، نظری و مذهبی داشتند و خصوصاً برمدار فقه دور می‌زد و گاه صبغه عملی و خصوصاً سیاسی به خود گرفته و در هر دو حیطه از راه‌های ملایم تا پیشنهادات افراطی به بحث و حتی عمل گذاشته شده که برخی راه حل‌های معتدل‌تر در تلطیف عواطف و تقریب اندیشه اسلامی بین مذاهب سنی و شیعه بی‌تأثیر نبوده‌اند.

۳. برخی تلاش نموده‌اند بر اساس مدل‌های نظری آکادمیک مجموعه مباحث و مسایل مربوط به تقریب مذاهب را در دو سطح «بنیاد» (شالوده، بیخ، اصل و ریشه که به عمق، پایه و استحکام درونی اشاره دارد) و «بنیان» (دیوار، بستر و نما، ارتفاع و استحکام ساختاری در سازماندهی ساختمانی اجزا) دسته‌بندی کرده و گفته‌اند که همگرایی و تقریب مذاهب در سطح بنیادهای تقریب و در مقام ملل و نحل، نیازمند گذار از همفکری مشترک، همگامی مشترک و همبختی مشترک می‌باشد و در بنیان تقریب بر چهار مؤلفه در جامعه‌شناسی نظم در این قرار تأکید شده است: مفاهیم نمادی، تنظیم سیاسی، تنظیم اجتماعی و تعمیم ساختاری.

نهایتاً به عنوان نتیجه‌گیری، اشاره به این نکته ضرورت دارد که اندیشمندان مسلمان اعم از شیعه و سنی به اهمیت وحدت و همگرایی اسلامی به عنوان یک استراتژی توجه نموده، مقوم‌های همگرایی را محور فعالیت‌های خود قرار دهند. همچنین آنان وظیفه دارند تا در برابر تندروی‌ها و افراطیون فرقی ایستادگی نموده، نسبت به اقتداریابی آنان، جامعه اسلامی را هوشیار و آگاه نمایند. تهمت و سب یکدیگر در طول تاریخ همواره موجب تضعیف مسلمانان گشته است. تکرار آن در عصر تکنولوژی، یک فاجعه جبران‌ناپذیر به شمار می‌رود فلذا تنها مخلص مسلمانان یک راه است و آن اتحاد و همبستگی درونی مسلمانان با گرایش‌ها و مذاهب مختلف می‌باشد.

پیشنهادات راهبردی

۱. ایضاح و روشن‌نگری مفهوم و مصداق همگرایی و وحدت، در بین روحانیون و روشنفکران شیعه و سنی
۲. در توجیه مفهوم وحدت، می‌باید عنوان گردد که وحدت اسلامی یعنی همگرایی و هم‌نوایی و همدلی است و هرگز به مفهوم دست کشیدن از عقاید و اختصاصات ویژه هر مذهب نمی‌باشد.
۳. هر یک از مذاهب اسلامی صادقانه تأکید نمایند که در صدد برخورد تخریبی با مبانی مذهبی دیگری نمی‌باشند.
۴. شعار وحدت اسلامی که از چند دهه اخیر از ایران اسلامی برخاسته است، به دنبال ایجاد همگرایی

- اسلامی در برابر استکبار جهانی است. مسلمانان اهل سنت نسبت به این پیام امیدوارانه می‌نگرند و راه خروج از بن‌بست جهان اسلام را در همین راهبرد می‌دانند.
۵. عمل‌گرایی در وحدت، با حفظ شئونات و مختصات هر یک از فرق اسلامی، راه خروج از نظریه‌پردازی‌های بدون پشتوانه در این زمینه به شمار می‌رود.

منابع و مأخذ

۱. علامه محمدتقی قمی، منادیان تقرب، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۲.
۲. علی دروب التقرب، دارالتقرب بین المذاهب الاسلامی بیروت ۲۰۰۴.
۳. اصول الوحده الاسلامیه، منظومه الاعلام الاسلامی، الطبعه الاولی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۴. رساله الاسلام، سال سوم، شماره چهارم، قم، نشر دارالتقرب.
۵. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب، نشر ریحان، تهران ۱۳۸۴.
۶. ملحمه الوحده، دارالتقرب بین مذاهب الاسلامی، بیروت ۲۰۰۴.
۷. سایت مرکز اطلاع رسانی فلسطین.
۸. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی^(ع)، چاپ ۳۱، صدرا، تهران ۱۳۷۹.
۹. شریعتی، علی، علی بنیان‌گذار وحدت، نشر نصر، تهران ۱۳۵۰.
۱۰. واعظزاده، محمد، زندگی آیت‌الله‌العظمی بروجردی، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، قم ۱۳۷۴.
۱۱. لاریجانی، محمدجواد، نقد دین‌داری و مدرنیسم، اطلاعات، تهران ۱۳۶۹.
۱۲. عباس حسن، عباس، ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام، ترجمه مصطفی فضایی، نشر بوستان کتاب قم ۱۳۸۳.

پی‌نوشت:

۱. استراتژی تقریب مذاهب اسلامی مجموعه مقالات هیجدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ص ۴۳
۲. نشریه رساله التقرب، فروردین ۱۳۸۲، شماره ۳۷، ص ۲۰۷ و علی دروب التقرب، ص ۵۴
۳. اصول الوحده الاسلامیه، منظومه الاعلام الاسلامی، الطبعه الاولی، ۱۴۰۴ هـ. ق
۴. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۰۳
۵. قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۴۶
۶. نهج‌البلاغه، ترجمه علی اصغر فقیهی، ص ۶۹۰
۷. مجله رساله الاسلام، سال سوم، شماره چهارم
۸. همبستگی مذاهب اسلامی، مقالات دارالتقرب، ترجمه دکتر بی‌آزار شیرازی، ص ۳۵۲
۹. سایت مرکز اطلاع رسانی فلسطین
۱۰. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی^(ع)، ص ۱۲
۱۱. شریعتی، علی، علی بنیان‌گذار وحدت، ص ۱۳
۱۲. واعظزاده، محمد، زندگی آیت‌الله‌العظمی بروجردی، صص ۱۳ و ۱۴
۱۳. قریب به این ایده از برخی مصلحین اسلامی نیز در حد طرح مطالب گزارش شده که از جمله راهکارهای وحدت از نگاه امثال اقبال لاهوری، تشکیل فدراسیون اسلامی متشکل از تماس کشورهای اسلامی و شرکت در پیمان‌ها، قراردادهای اتحادیه‌ها و گسترش مناسبات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است.
۱۴. لاریجانی، محمدجواد، نقد دین‌داری و مدرنیسم، ص ۱۴
۱۵. عباس حسن، عباس، ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام، ترجمه مصطفی فضایی، ص ۱۵

